

سرنیزه ها و سازو برگ
مربوط به سلاح سرد

۱- سرنیزه ها:

در قدیم سرنیزه های ایرانی را بشکل بیضی یعنی مانند برگ درخت بید میساختند و اکنون این نوع سرنیزه ها بسیار نادر است و به ندرت میتوان نمونه ای از آنها پیدا نمود. در اشکال شماره ۱ و ۲ دو نوع از آنها نشان داده شده است. این سرنیزه ها به هنگام جنگ تن به تن و برای حمله و نابودی دشمن مورد استفاده قرار می گرفته است.

الف - انواع سرنیزه ها :

(۱) سرنیزه های مثلثی :
سرنیزه های ایرانی از لحاظ شکل ظاهری به اقسام مختلف تهیه می شده است که قدیمی ترین نوع آنها سرنیزه های مثلثی شکل هستند.

(۱)

تاریخچه

سلاح سرد در ایران

بقلم
رومانوسکی دُوبنچا

شکل شماره ۳ سرنیزه ای است که متعلق بدوره صفویه میباشد و سرنیزه تفنگهای روسی به اقتباس از آن ساخته شده اند .

(۲) سرنیزه های چهار پر : که در طرفین آن چهار لبه بران و تیز تعبیه گردیده است که در شکل سه طرف آن بخوبی دیده میشود و لبه دیگر در پشت قرار دارد که در مقابل دید مستقیم واقع نگردیده است (شکل شماره ۴)

(۳) سرنیزه های سه پر : که تعدادی از آنها متعلق به ادوار مختلف در موزه دانشکده افسری ارتش شاهنشاهی ایران وجود دارد. شکل ظاهری سرنیزه- های دویاسه شاخه گاهی ساده و پهن وزمانی لبه آنها را موجی و مارپیچ میساختند و غالباً دوشاخه آنرا طوری تعبیه مینمودند که بطرفین متمایل میشد (شکل شماره ۵ و ۶)

ب - نوع فلز سرنیزه :

فلز سرنیزه های ایرانی را معمولاً از پولاد ساده مصنوعی تهیه مینمودند و سرنیزه به لوله استوانه ای شکل فلزی منتهی میشد و همین لوله استوانه ای شکل به چوب سرنیزه متصل میگردد ، (هنگام انتخاب چوب ، خوشدستی ، استحکام ، صافی و طول آنرا در نظر میگرفتند که مناسب يك سرنیزه باشد) چه بسا سرنیزه ایرانی را اغلب از چوب باهوب که نوعی خیزران است تهیه میکردند و گاهی هم چوب معمولی صاف و بدون گره بکار میرفته است و اکنون نمونه بسیار کمی از آنها باقی مانده است . معمولاً در روی نوزه جای دست را بوسیله پیچیدن پارچه ابریشمی و یا نخ ابریشم مشخص میساختند .

ج - تزئینات سرنیزه :

گاهی اوقات بین نوك سرنیزه و محل نصب آن برآمدگی مدوری برای زینت دادن بوجود میآوردند و برآمدگی و لوله استوانه ای را طلاکوب و مزین مینمودند و در بعضی مواقع خود سرنیزه را مذهب میکردند .

۲- زوبین (سرنیزه های پرتابی) :

همانطوریکه از نام این نوع سرنیزه پیدا است از آن معمولاً برای پرتاب کردن استفاده میشده است (هنگام فرار و تعقیب دشمن این نوع سرنیزه که بنام زوبین معروف است بکار میرفته است) سرنیزه ای که باین منظور بکار (۲)

برده میشد سبک تر و قدرت برندگی آن بیشتر بود و پرتاب کننده بخوبی میتوانست تا مسافت زیادی آنرا پرتاب نماید. چوب این سر نیزه ها بنام «جرید» معروف بود و نوک آن معمولاً به شکل مئثات و یا چهارپر ساخته میشد و انتهای «جرید» را طوری میساختند تا به آسانی از غلاف بیرون کشیده شود چوب یا نیزه سر نیزه های پرتابی را معمولاً چند تکه میساختند و دو یا سه جرید در یک غلاف قرار داده و غلاف سر نیزه پرتابی را به ترك اسب خود نیز میآویختند ولی از دوره صفویه به بعد نیزه های پرتابی تماماً از فلز ساخته میشدند و یکی از نمونه های بسیار زیبای آن در شکل شماره ۷ نمایش داده شده است.

۳- گرز و تبرزین:

این دو نوع اسلحه در ایران از نوع اروپائی آن به مراتب سبک تر ساخته میشد، زیرا در بین جنگنده های اروپائی متداول بود که بهنگام رزم سینه پوشهای آهنین ضخیم و پهن و صاف می پوشیدند و چنین تصور میکردند سلاحی را که علیه این لباس بکار میبرند بایستی سنگین باشد تا بتواند سینه بند ضخیم آهنی خصم را پاره کند و بر آن غلبه نماید بنابراین گرز و تبرزین های اروپائی بسیار وزین تهیه میشدند.

بدیهی است که سنگینی وزن اسلحه از تحرك و سرعت عمل جنگجو میکاست ولی چون رزمندگان ایرانی و کشورهای مجاور آن هنگام جنگ بنوعی زره آهنی ملبس میشدند که به مراتب ظریف تر از پوششهای اروپائیان بود و از طرفی چون جنگجویان ایرانی معتقد بودند که لباس جنگنده هر قدر سبکتر باشد چابک تر و سرعت عمل بیشتری خواهد داشت، سعی میکردند که سلاحهای خود را هر اندازه که مقدور باشد سبک و برنده بسازند تا رزمنده بتواند با قدرت و ضربه محکم تر دشمن خود را از پا در آورد. بهمین دلیل میتوان مشخصات گرزها و تبرزین های ایرانی را سبک و خوشدست و برنده دانست (اشکال شماره ۸ و ۹).

الف - گرزها :

در ایران گرزها ابتدا مانند همه جای دنیا از چوبهای جنگلی تهیه میشد مانند شکل (۱۰) ولی بعداً برای استحکام و سنگینی بیشتر سر آن را بانوارهای

فلزی پوشانیده و محکم مینمودند و بعدها که فلز دسترسی بیشتر پیدا نمودند از نقطه نظر اینکه فلز سنگین تر و پر قدرت تر و بادوام تر بود متداول گردید و گرزها را از يك قطعه فلز مدور میساختند و گاهی هم دسته آن را فلزی تهیه میکردند و چون در هیأت ظاهری و نحوه استعمال و طرز ساخت گرزهای ایرانی و هندی تفاوتی مشاهده نمیشود بنابراین میتوان این نوع اسلحه را در ردیف سلاحهای هند و ایرانی محسوب داشت.

ب- انواع گرزها:

انواع گرزها عبارت بوده اند از:

(۱) گرزهای تمام چوبی که از چوبهای محکم و کره دار جنگلی درست میشده اند.

(۲) گرزهایی که از دو قسمت فلزی و چوبی تهیه میشده و فقط دسته آنها چوبی بوده است.

(۳) گرزهای تمام فلزی که خود بیه انواع و اشکال مختلف ساخته میشدند.

(الف) - گرزهای مدور یا بیضی شکل فلزی

(ب) - گرزهایی که سر آن بشکل سر حیوانات مخصوصاً اغلب بشکل سر گاو ساخته میشدند.

(ج) - گرزهای شش پره که شش پریا بیشتر داشتند.

در روسیه سر این اسلحه را گاهی بشکل مکعب تهیه مینمودند و آنرا پروس (Prouse) میگفتند. ترکها و مغولها اغلب گرزهای خود را تراش میدادند و بامیخهائی مجهز میکردند و آن را بنام بزدو خان میخواندند ولی ایرانیان عموماً گرزها را بشکل کله گاوی که گوش و شاخ هم برای آن تعبیه میکردند میساختند و در حماسه ها و داستانهای قدیمی در اطراف آنها ضرب - المثلهای زیادی آورده شده و معروف است که به پیروی از افسانه های ملی به یمن پیروزی و غلبه بر ظالم گرزهای خود را بشکل سر گاو تهیه و بدست میکردتند و اغلب برای اینکه هنگام ضربت زدن بدشمن گرزهای گاو سر آوای هراس انگیزی تولید کند و ترس و وحشت دشمن را افزون سازد در (۴)

سوراخ گوش و منخزین سر گاو منافذی ایجاد میکردند. بکار بردن این اسلحه تا چندی پیش در میان جنگجویان ایرانی رواج زیاد داشته است و در زمره اسلحه بسیار خوب آنها بشمار میرفت. در صورتیکه بعد از قرون هفدهم میلادی در سایر کشورها مورد استعمال قرار نمیگرفته است و بتدریج استعمال آن از بین رفت و تا مدتی هم فقط بعنوان نشانه قدرت و شخصیت و افتخار محسوب میشد هر چند که بنا بر آداب و رسوم بسیار قدیمی و عرف و عادت در دربار ایران گرزهای نقره‌ای یا طلائی در دست یساولان و قراولان سلطنتی مشاهده میشده است. این یساولان همیشه برای شکوه و جلال سلطنت پیشاپیش موکب پادشاه حرکت میکردند. در میان تورانیان یعنی ساکنین آسیای مرکزی و همچنین اهالی هندوستان گرز دیگری بنام گرز زنجیری (شکل ۳۲) رواج کامل داشت این گرز را از این جهت زنجیری نامیده‌اند چون گوی فلزی توسط زنجیری به دسته متصل میکردند. این گرز در ایران در زمان استیلای مغول و در حدود قرن شانزدهم معمول بود ولی کم کم موارد استعمال آن از بین رفت.

ج - طرز تهیه گرزها :

گرزها را معمولاً از فولاد تهیه میکردند و گاهی هم مواد مختلف دیگری در ساختمان آن بکار میرفته است و غالباً آنها را برای تزئین طلا کوبی و یا نقره کاری و یا قلم زنی مینمودند. بعضی از دسته‌های گرز مجوف بوده و در درون دسته گرز تیغه قرار میدادند و در ضمن عملیات جنگی تیغه را از دسته گرز بیرون می‌آوردند و بانتهای آن نصب میکردند در این صورت يك گرز در آن واحد بعنوان دو سلاح جنگی بکار میرفته است.

د - تبرزین :

تبرزین‌های جنگی ایران مانند گرزها بیک شکل نبوده و فرم مخصوصی نداشتند از این رو میتوان آنها را جزو سلاح‌های هندو ایرانی بشمار آورد و از طرف دیگر مشخصات عمومی تبرهای ایران کوچکی و ظرافت این اسلحه میباشد. با تغییرات زیادی که در طی ادوار مختلف بوقوع پیوسته است مع الوصف این سلاح شکل و فرم قدیمی و اصیل خود را از دست نداده و تا این

اواخر هم این خصوصیات در ساختمان برخی از تبرزین های جنگی و تبرهای معمولی هیزم شکنان حفظ گردیده است و میتوان گفت که این نوع اسلحه یکی از سلاحهای مردم بومی گیلان و مازندران است. تبرزین هائی که در میادین جنگ بکار میرفتند تقریباً شکل خاصی داشتند و فرق فاحشی بین تبر هیزم شکن و تبرزین رزمی مشهود بوده است و لبه آنها دارای تیزی پهن بوده و سازندگان این سلاح سعی میکردند که لبه آن را زیاد هلالی شکل نسازند زیرا ایرانیان همیشه سعی داشتند خصوصیات بارز سلاحهای مشرق زمین را حفظ نمایند. بدین ترتیب هم خود را به این مسأله معطوف می نمودند که سلاحی تهیه نمایند که با صرف قدرت کم در هنگام ضربت زدن اثر بیشتری حاصل گردد. از این رو است که مشاهده میشود ایرانیها قسمتهای فوقانی تبرزین ها را طوری میساختند تا تیزی آن با قسمت بالا در یک خط قرار گیرد و مختصر انحنای آن بطرف دسته تبر متمایل گردد زیرا قدرت برندگی این نوع تبرزین بیشتر بوده است. استاد کاران سازنده ایرانی غالباً طرف چکشی تبر را درازتر از حد معمولی میساخته اند تا مرکز ثقل و نقطه اتکاء آن بیشتر باشد.

در برخی از کشورهای مجاور و همسایگان ایران و همچنین ساکنین غیر آریائی و مردم جزایر آندان (ANDANS) و ندرتاً مسلمانان ناحیه سند مشاهده گردیده است که تبرهای خود را هلالی شکل میساختند که محققاً این سبک در اثر نفوذ صنایع کشورهای غربی میباشد.

در اوش ایران و نواحی اسلامی و هندی به پیروی از نظامات عمومی مسلک خود نه چیز را که یکی از آنها تبر بوده است، همیشه با خود حمل میکرده اند و با احتمال قوی در اوایل همان تبرهای جنگی را که نسبتاً سنگین تر از تبرهای ملل اروپائی بود همراه داشتند و به مرور زمان جنبه جنگی خود را از دست داده و صورت تشریفاتی پیدا کرده است و برای سهولت حمل آن تبرهای سبک اروپائی که کم وزن تر بودند جای تبرزین های جنگی را گرفته است. در شکل شماره (۱۲) نمونه ای از تبر یا تبرزین در اوش و در شکل شماره (۱۳) نوعی تبرزین دولبه که مورد استفاده در اوش قرار میگرفته نشان داده شده است.

ه - مشخصات تبرزین‌های جنگی:

تبرزین‌های جنگی قدیمه ایران به شکل چهار گوش و مانند چکش بزرگ ساخته می‌شده‌اند و بعضی از قبایل هند و ایران پشت تبرزین‌های خود را مربع و یا دایمانند نوک نیزه مستقیم می‌ساختند (شکل ۱۱) این نوع تبرزین در نزد هندیها بنام تبرزین زاغندل (Tabar-zagnol) نامیده می‌شود. این طور به نظر می‌رسد که تبرزین‌های زاغندل شبیه نوک زاغ و یا نیزه ساخته می‌شده که یکی از انواع تبرزین‌های جنگی بشمار میرفته است. البته باید دانست که ابتکار تهیه آن در ابتدا بدست افغانیها انجام گردیده است و این سلاح جزو اسلحه پیاده نظام آنها بکار میرفته است. نوعی از تبرزین‌های زاغندل در آلمان نوک طوطی و در فرانسه بنام چکش نوک‌دار و در روسیه بنام کلوتز (Klevetze) که همان معنی نوک‌زدن را می‌رساند نامیده می‌شده است. و اگر این نوع تبرزین‌ها فاقد لبه تیز بودند یک چکش بزرگ جنگی محسوب می‌شدند. ایرانیان در قدیم تبرهای جنگی خود را تبرزین مینامیدند زیرا این اسلحه یکی از سلاحهای سواره نظام ایران باستان بوده است و همیشه سواره نظام آنرا برزین اسب خود می‌آویخت. این سلاح در روسیه بنام بالتا (Balta) که از کلمه ترکی بالدا گرفته شده نامیده می‌شده است.

۴ - سازوبرگ کامل :

سازوبرگ کامل قدیم ایران مانند سلاحهای بومی این منطقه از آسیا که جزو سلاح و سازوبرگ هند و ایران باید محسوب شود و تا این اواخر نیز استعمال آن در ایران متداول بوده است، شامل لوازم و البسه زیرین می‌باشد که در شکل شماره (۱۴) نشان داده شده است :

الف - کلاهخود

ب - زره

پ - چهار آئینه

ت - زانوبند

ج - بازوبند

د - سپرو غیره

در حال حاضر در هیچ یک از موزه های کنونی جهان نمونه اسلحه ایرانی قبل از حمله عرب به ایران یافت نمیشود ولی عظمت و ابهتی را که آنها دارا بودند به سبب آثاری که بدست آمده میتوان دریافت چرا که سلاحهای اروپائی زمان جنگهای صلیبی از اسلحه ایرانی متأثر و شبیه آنها ساخته شده اند. و این خود نمونه بارزی از صنعت اسلحه سازی و مهارت استاد کاران ایرانی در عهد هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان بوده است که روح صنعت سلاح سازی دوران پر عظمت و شکوه ایران در کشورهای مجاور ایران حلول نموده و مشتاقان این فن را بسوی خود جاب نموده است. در نقوش طاقستان که مرور زمان هنوز نتوانسته است آثار آنرا از بین ببرد سلاطین و سپاهیان ایران با همان اسلحه و زره های خود مشاهده میشوند مثلاً خرو پرویز پادشاه ساسانی با زره و کلاه خودی دیده میشود که بی اندازه به خود و زره های اروپائیان که در جنگهای صلیبی شرکت کرده بودند شباهت دارد، این مطلب واضح است که سازو برك و سلاح بدست آمده اروپائیان شبیه سلاحهای دوره ساسانی بوده اند و چون قدمت اسلحه سازی ایران و هند بیشتر بوده است، شك نیست که اروپائیان به اقتباس از اسلحه سازی ایران مبادرت به ساختن این نوع اسلحه نموده اند ولی حمله عرب استعمال این گونه اسلحه را بتدریج در ایران از بین برد زیرا اسلحه کامل ایرانی که پس از حمله عرب متداول بوده با اسلحه کامل ایرانیان باستان به کلی متفاوت بوده است چنین استنباط میشود یگانه سلاحی که قبل از حمله عرب به ایران و بعد از آن باقی مانده کار و خنجر میباشد که احياناً میتوان آنها را متعلق به ایران دانست زیرا پس از حمله عرب اسلحه سازان ایرانی به این فکر افتادند که حتی المقدور وزن اسلحه را بمنظور تحرك بیشتر رزمندگان سبك تر تهیه نمایند تا جنگجویان با بکار بردن قدرت کمتر سرعت بیشتری در صحنه کارزار داشته باشند و باین ترتیب از خستگی و فرسودگی آنان جلوگیری بعمل آید. در صورتیکه اسلحه سازان اروپائی اساساً باین فکر نبوده بلکه دیواره های آهنین را بنام سلاح در اختیار جنگجویان آن سامان قرار میدادند. گاهی وزن اسلحه کامل اروپائی به غیر از نیزه تا هشتاد کیلوگرم

میرسیده است و تنها نیزه آنها در حدود ۳۰ کیلوگرم وزن داشته است از نوع این اسلحه کامل قدیمی در تمام موزه‌های بزرگ جهان از جمله در موزه ارمیتاژ لنینگراد شوروی موجود است که آنرا در سال ۱۸۴۲ میلادی از شهر لومبورد از هانور بآنجا انتقال داده‌اند با وجود این احتمالاً در اروپا هم از این نوع سلاح سنگین به‌عنوان اسلحه جنگی بکار برده نمیشد بلکه اغلب برای تمرینات و بازیها و تشریفات نظامی استعمال میشده است ولی برعکس ایرانیان بجای حمل اینگونه سلاح سنگین از ساز و برگ سبک و محکم استفاده بعمل می‌آوردند و کلاه خودهای سبک وزنی بر سر می‌گذاشتند که بسبب داشتن شکل مدور و خاصیت لغزندگی کتیه ضربات حریف خنثی می‌گردید و اطراف گردن و پشت گوش‌ها را نیز زره بسیار ظریفی که از خود آویزان بود تاروی شانه‌ها می‌پوشانید و مانع نفوذ ضربات احتمالی حریف می‌گردید و نیز چهره و بینی بوسیله نقاب آهنی متحرکی که در مقابل خود تعبیه شده بود و بر حسب ضرورت بالا و پائین میرفت از حملات دشمن محفوظ میماند و این خود را برخلاف سایر خودهای مشرق زمین و روسیه بدون استعمال عرقچین فلزی بر سر مینهادند و چون داخل آنها از نمد و یاپنبه و یا پارچه‌های مرغوب و نرم پوشیده شده بود احتیاج بهیچ نوع عرقچینی نداشت و همچنین زره ایرانیان بدن و بازوها را تا آرنج می‌پوشانید.

الف - زره ایرانی :

زره ایرانی عبارت بوده است از لباسی که از بهم پیوستن حلقه‌های آهنی ساخته‌میشده است. قبل از اینکه زره بصورت موجود فعلی درآید جنگجویان قدیمی در روی لباس جنگی خود که عبارت از پیراهن چرمی بوده حلقه‌های آهنی را بطور پراکنده و متفرق در ردیف‌های مساوی میدوختند و یا اینکه تعدادی از حلقه‌های مزبور را مانند زنجیر نازکی بیکدیگر متصل کرده و به پیراهن چرمی خود می‌آویختند البته از این نوع زره در هیچ یک از موزه‌های جهان یافت نمیشود ولی بعدها به پیروی از هه‌مین روش برای بهتر و محکم ساختن زره بصورت پیراهن ظریف فلزی ساخته‌میشد. این نوع پیراهن فلزی طوری تهیه می‌گردید که در قسمت جلوسینه آن شکاف داشته و حتی نیز طرفین

آن از هم مجزا بوده است. این نوع زره ها بنا بر سلیقه شخصی استادان سازنده و یا بنا بدستور متقاضیان ساخته می شده است. بعضی ها دارای آستین بلند و برخی دیگر با آستینهای کوتاه و دامن تهیه میگردید. در ایران چون تا این اواخر اسلحه گرم کمیاب و کمتر مورد استفاده قرار میگرفت اینگونه زره ها که بهترین لباس رزمی جنگجویان بوده در بین سپاهیان پوشیدن آن متداول بوده است زیرا بهترین لباس برای دفاع در مقابل سلاح سرد شناخته شده بود. اما در اروپا از زمانیکه اسلحه آتشین روز بروز توسعه و ترقی مییافت زره رزمی نیز بمنظور مقاومت در مقابل این سلاح محکمتر میشد تا بالاخره در مقابل قدرت آتش استحکام آنها مفید واقع نگردید. ولی برعکس در ایران استعمال سلاح سرد تقریباً همه در یک زمان اهمیت خود را از دست داد و بدون توجه باصل بالا هر قدر هم که اسلحه گرم توسعه مییافت زره ها در حال ثابتهی باقی مانده و در تهیه آنها هیچگونه تغییرات کلی حاصل نگردید تا اینکه بعدها استفاده از آنها بکلی منسوخ گردید.

ب- طرز ساختن زره :

بطور کلی زره را از یک تعداد حلقه های متصل بهم می ساختند و چون در زیر این سلاح گردن و شانه ها بیشتر مورد اصابت قرار میگرفت حلقه های آهنی متصل شده زره در روی گردن و شانه محکم و نزدیک و بهم فشرده ساخته می شده است زیرا گردن، شانه و سینه هنگام جنگ بیش از سایر قسمت های بدن مورد اصابت شمشیر و غیره قرار می گرفتند و لی حلقه های پشت دست و پائین بدنه که گشادتر بود حلقه های کمتری بکار میبردند. طرز ساختن زره در کشورهای مختلف یکسان نبوده بلکه در بین ملل و قبایل فرم های گوناگون یافت میشد. مثلاً در ایران و هند قسمت گردن بوسیله یک پارچه کلفت پوشیده میشد ولی در آسیای مرکزی از وسط حلقه های زره تسمه های چرمی را میگذراندند و زیر آنها را با پارچه های ابریشمی میدوختند تا گردن در هنگام حرکات تند و سریع مورد اصابت شمشیر واقع نگردیده و مجروح نشود. قفقازیها و ترکان عثمانی غالباً زره های خود را با تکه های آهنی مربع یا گرد و همچنین با دگمه و

قیه‌های کوچک آرایش میدادند و حلقه‌های زره عموماً بشکل افقی قرار میگرفت.

طرزساختن حلقه‌های زره تا قرن هفدهم میلادی بدین ترتیب بوده است که پس سرخ شدن حلقه‌های آهنی در کوره بوسیله چکش خواری آنها را بیکدیگر متصل مینمودند ولی در قرن هیجدهم میلادی حلقه‌های زره را با چکش زدن درست نموده و سپس زره را از بهم پیوستن حلقه‌های مقتولی میساخته‌اند. حلقه بعضی زره‌های قدیمی از سیمه‌های فلزی که گاهی توسط یک یادو میخ بهم متصل میشد، تهیه میگردد و در برخی حلقه‌ها میخ‌ها را از یک طرف و در پاره‌ای از آنها میخ‌های بست را از دو طرف فرو میبردند. میخ‌های مزبور که برای اتصال حلقه‌های زره بکار میرفت گاهی از آهن و زمانی از مس یا برنج درست میشد ولی بهترین بست حلقه‌ها بوسیله لحیم کاری (نوع جوشکاری اولیه) صورت میگرفته است یعنی حلقه را پس از اتصال بیکدیگر لحیم میکردند. در بین زره‌ها نمونه بسیار کمی دیده شده است که حلقه‌ها بوسیله میله‌های مسی بیکدیگر متصل شده‌اند این نوع زره بیشتر در ترکیستان متداول بوده است در بین طرق مختلف اتصال دو طریقه بیشتر مورد استعمال واقع میگرددیده‌است:

الف - حلقه‌های زره میخکوب شده.

ب - حلقه‌های زره ساده لحیم کاری شده و زمانی هم حلقه‌ها را از مس یا برنج باندازه‌های بزرگ و کوچک تهیه مینمودند.

در موزه دانشکده نمونه کاملی با حلقه‌های میخکوب شده موجود است که در شکل شماره (۱۵) نمایش داده شده است و انسان از دیدن آنهمه ظرافت و مهارت استاد سازنده آن متحیر میشود زیرا درست شبیه آنست که زره را از یک پارچه فلزی ساخته باشند در این اواخر بدون در نظر گرفتن زره حلقه را بیکدیگر متصل مینمودند ولی اصولاً یک زره بسیار خوب زرهی بوده است که که صنعتگران شرایط زیر در آن رعایت میکردند:

(۱) پولادش از پولادهای ممتاز جوهر دار درجه یک باشد.

(۲) حلقه‌های زره با دقت بیکدیگر متصل شده باشند.

(۳) قطر مفتول‌های آهنی متناسب با اندازه حلقه‌ها باشد یعنی مقیاس ضخامت آهن با اندازه تطبیق نماید. چنانکه در سطور بالا ذکر شد جهت بافتن حلقه‌ها را افقی انتخاب میکردند و بهم وصل مینمودند در این عمل نهایت سلیقه و ظرافت را بکار میبستند مثلاً برای زیبایی زره یک ردیف از حلقه‌های لچیم شده و یک ردیف حلقه‌های میخی را بطور مساوی بیکدیگر وصل کرده و یا چهار حلقه میخی را به یک حلقه لچیمی متصل میکردند. این موضوع گذشته از ظرافت و زیبایی زره سبب استحکام بیشتر آن نیز میشد امتیاز این نوع ساخت این بوده است که هیچ‌گونه انبساطی در حلقه‌ها صورت نمیگرفته در حالی که حلقه انواع دیگر زره از نظر ساخت تغییر پذیر بوده و قابل انبساط بوده اند ولی بطور کلی غیر ممکن است که ما بتوانیم زره‌ها را از لحاظ تعداد و اندازه حلقه‌هایشان طبقه‌بندی نمائیم زیرا برخی از زره‌ها با حلقه‌های بسیار ریز و یا متوسط و بعضی با حلقه‌های فوق‌العاده بزرگ مشاهده میگردد مانند شکل‌های شماره (۱۶) و (۱۷) و زمانی از نظر ساخت حلقه‌ها را بیضی شکل و یا گرد که در میان آن میله‌ای قرار داشت می‌ساختند تا در هنگام برخورد ضربات شمشیر و غیره دیر تر بپاره و از هم جدا گردند و هم در مقابل نور خورشید مانند فلس ماهی جلوه نموده و زیبایی آن بیشتر شود. شك نیست که سابقاً هر یک از اقسام زره‌های ذکر شده در بالا بر حسب نوع بافت و برش و ساختمان‌شان اسامی مختلفی داشته و جزو طبقه مخصوصی بوده است ولی در حال حاضر در زبان رایج فارسی بطور کلی آنها را زره می‌نامند مثلاً در قدیم که این البسه در ایران و سایر ممالک نزدیک آن رواج داشته است یکی از انواع آن بنام بدن موسوم بود که زانو و دست‌ها را تا آرنج و گاهی پائین‌تر می‌پوشانید (شکل ۱۸) حلقه‌های این نوع زره بسیار نازک و مسطح بود و اگر این زره تا زانو نرسید و آستینش کوتاه‌تر بود بنام نیمه بدن خوانده می‌شد (شکل ۱۹) نوع دیگر از این اسلحه در قدیم بنام باختر نامیده میشد که از لغت مغولی بکتر گرفته شده است (شکل ۲۰) خصوصیات زره مزبور آن بوده که صفحات آهنی کوچکی تهیه و پهلوی پشت آنرا می‌پوشانید و روی‌شانه‌ها و قسمت پهلوی دامن چا کدار بوده است همچنین نوع دیگر را که کلانتری می‌خواندند بدون آستین و مانند زره باختر چا کدار (۱۲)

وصفحات آهنی بزرگ بر سینه و پشت و پهلوئی آن نصب میگردد. زره‌های
ساخته و کلانتر در ایران کمتر پوشیده میشد و مخصوص کشورهای همجوار
ایران بوده است.

ج - تزئینات زره:

تزئینات زره بصورت‌های مختلف انجام میگرفته است گاهی حلقه‌های مسی
و یا برنجی را در یک ردیف و حلقه‌های آهنی و یا فولادی را بموازات آنها متصل
میگردد و یا اینکه از بافتن حلقه‌های برنجی و مسی و آهنی نقوشی هندسی
در روی زره بوجود می‌آوردند و همچنین از هر حلقه فلزات مختلف کلمات مقدس
و یا اسامی سلاطین و پهلوانان را در روی زره نقش می‌بستند و یا گاهی اوقات
بهمین طریق از حلقه فلزات مختلف رنگ حاشیه پهن و یا باریک در چند ردیف
می‌بافتند مثلاً در قسمت بالا و پائین دامن و حلقه آستینها حاشیه‌ای از حلقه‌های
مسی و یا برنجی در روی زره بافته میشده است و بعضی اوقات در برخی از آنها
دیده می‌شود که بطور استثنائی حلقه‌های بزرگی بر روی زره نصب شده که در
روی آن حلقه‌ها اسامی مقدس و یا کلماتی چند از قرآن و غیره نوشته شده و یا
اینکه زره ساده‌ای از فلز بافته که بر روی هر یک از حلقه‌های آن یک حرف و
یا یک کلمه از قرآن در روی آنها نوشته شده است که نمونه آن در شکل (۲۱) دیده
میشود و اگر جلوی زره باز بود برای بهم پیوستن از آن قلابهای پولاد آبدیده
و یا آهن استفاده میشده است که چند نمونه آن در موزه دانشکده افسری ارتش
شاهنشاهی ایران موجود است.

۵- تیر و کمان:

از زمانهای بسیار قدیم کمان ایرانی مورد توجه بسیاری از مردم مشرق
زمین بوده است چنانچه سیاح معروف فرانسوی بنام شوالیه شاردن مهارت
ایرانیان را در مورد تهیه این اسلحه ستوده و تأیید کرده است و پس از مقایسه
کمانهای ایرانی و اروپائی این طور اظهار عقیده نموده است که کمانهای ایرانی
دارای مرغوبیت خاصی میباشد ولی کمانهای اروپائی از یک قطعه چوب تهیه
میگردد و است بصورتیکه کمانهای ایرانی سبکتر و کوچکتر از آنها بوده‌اند

و این سبکی بسته بمواد اولیه ای بوده که در ساختمان کمانهای ایرانی بکار میرفته است. ایرانیان برای ساختن کمان اغلب از شاخ گاو میش و یا قوچ و یا از شاخ حیوانات وحشی شاخدار استفاده بعمل می آوردند برای ساختن کمان چوب و سریشم و بعضی مواد حیوانی را باهم مخلوط و تریب میگردند و مایع چسبنده حاصل از این عمل را با چوب مورد نیاز تحت فشار فوق العاده ای قرار میدادند تا خوب جذب یکدیگر شوند و پس از آن کمانهای درست شده را یک یا دو سال بدون استفاده نگهداری میکردند تا خوب خشک شوند. در شکل ۲۹ نمونه کمان ایرانی نمایش داده شده است.

بدین ترتیب سلاح ساخته شده یکی از بهترین کمانهای آن ایام بوده است و قدرت یا طول مسافت تیر از کمان تانگه فرود بمراتب بیشتر از برد کمانهای ایتالیائی و انگلیسی هم عصر خود که شهرت بسزائی داشته اند بوده است. در ساختن کمان ایرانی سعی میشد که قسمتهای شاخی را در داخل و مواد دیگر را در روی آن قرار دهند و برای استقامت و کشش بیشتر آن در درون قسمتهای شاخی روده گربه بکار میرفته است، قسمتهای مختلف این اسلحه عبارت از خود کمان (که از چوب مخصوص درست میشد) و زه مربوطه بوده است که از ریسمان و یا از رگ حیوانات مخلوط با بریشم تابیده شده ساخته شده بود.

الف - اندازه و مشخصات کمانهای ایرانی :

(۱) کمانهای ایرانی معمولا از کمانهای هندی کوتاهتر و از کمانهای مناطق دیگر آسیائی و کمانهای عثمانی بلندتر بود. اما کمانهای هندی از آنها راست تر ساخته میشده است.

(۲) مرکز کمان ایرانی را کمی پهن میساختند و این خود سبب میشد که شکل کمان را بفرم دو منحنی در آورده و در نوکهای آن برگشتگیئی مانند شاخ گاو بوجود آورند. منظور از این انحناء آن بود که تیر با قدرت بیشتری از کمان رها گردد، غالباً یک سرزه بیک طرف کمان متصل میگردد و سوی دیگر آن بحال باز یا نیمه باز بود. این عمل بمنظور جلوگیری از استهلاک و فرسوده شدن زه در موارد غیر لازم انجام میگرفت، زیرا اگر هر دو طرف بسته و آماده نگهداری میشد زه کمان بخودی خود و بزودی نیروی استقامت و کشش

خود را از دست میداد ولی طرف دیگر کمان را طور دیگر میساختند و مواقع لازم سردیگر را گره مخصوصی میزدند.

(۳) برای آنکه قسمت‌هایی که زه به آن بسته میشد عمر بیشتری داشته باشد تکه‌های استخوانی و یا شاخی را بطرفین کمان اضافه میکردند تا در نتیجه کشش و رها شدن تیر بزهره و کمان صدمه‌ای نرسد.

در بین ایرانیان بندرت از کمانهای پولادین استفاده بعمل می‌آمده است و بهمین دلیل کمان پولادین کمتر در دسترس میباشد فقط یک نمونه از این نوع کمان در موزه دانشکده افسری موجود است که آنهم زه ندارد و معلوم نیست که این کمان را چگونه مسطح می‌کرده‌اند زیرا یز کهای آن با کمانهای دیگر اختلاف فاحش دارد.

ب - تزئین کمانهای ایرانی :

تزئین در اسلحه یا هر شیئی دیگر بستگی به ارزش و مرغوبیت آن دارد تزئین کمانهای ایرانی بستگی به جنس و نوع آنها داشت و اغلب آنها را با رنگهای الوان و طلاکاری زینت مینمودند و گاهی بوسیله پوست ساغری یا پوست نازک درخشانی کمان را می‌پوشاندند و سپس پوست مزبور را رنگ آمیزی مینمودند و علاوه بر تزئین، آنرا بروغن مخصوص و بادوامی آغشته میکردند و تمام این اعمال برای این منظور انجام میگرفت که کمان از تأثیرات جوی و تغییرات حرارتی و همچنین رطوبت و غیره محفوظ بماند.

ث - تیر یا پیکانهای ایرانی :

انواع تیرهای ایرانی تیز بوده‌اند و از تیرهای اروپائی بدراتب سبکتر ساخته میشدند و نوک آنها را بصورت اشکال مختلف از قبیل چهار پریا سه پریا و یا دراز و یا کوتاه و پهن و سه گوش و غیره میساختند. تیرهای متداول در ایران از نوع پرمه‌دار بوده‌اند (در شکل ۳۰ و ۳۶ دسته تیرهای سپاهیان عادی دیده میشود) و عموماً تیرها از دو قسمت چوبی و فلزی تشکیل میشدند. برای اینکه قسمت آهنی تیر از چوب آن جدا نشود محل الصاق نوک تیر را با چوب و یا نخ و یا رگ حیوانات محکم می‌پیچیدند. در ساختمان تیرها از همه مهمتر قراردادن مرکز ثقل آنها در انتهایشان میباشد و برای اینکه بتوان

تیر را برای رها شدن سوار کمان نمود انتهایش را بشکل شکافی گرد و بیضی می بریدند که زه داخل آن گردد و اکثر آنها را بادو یا چهار پری که از درازا بریده شده بود می ساختند و برای آنکه هنگام حرکت تیرها در فضا مسیر خود را خوب و بطور مورب طی نمایند، پره ها را در انتهای چوب بطور مورب کار می گذاشتند و اکنون نیز همین اصل در توپها و تفنگ ها رعایت میشود.

برای تزئین تیرها دو انتهایش را با رنگ و آب طلا مزین میکردند چون رطوبت و تغییرات جوی در تیر و کمان بی اندازه موثر بوده بلافاصله پس از رفع احتیاج تیرها را در تر کش قرار داده و کمانها را در جلد مخصوص خود که رطوبت به آنها تأثیری نداشت حفاظت مینمودند و گاهی از ترس آنکه مبادا تیر و کمان فاسد شود تمام قطعات را در جلد بزرگتری قرار میدادند.

برای سوار کردن تیر در کمان، تیر انداز محکم می ایستاد و با دست چپ انتهای فوقانی آن را گرفته و با فشار کمان را بزمین خم میکرد و آنگاه با دست راست انتهای آزاد گره را میگرفت و گره دیگرش را به آن کمان می بست آنگاه برای رها شدن تیر شصت خود را بیشتر بکار انداخته و انگشت سبابه را بمنظور راست نگهداشتن تیر بکار می بردند، ولی تیر اندازان انگلیسی و ایتالیائی ژن (Genes) و فلاماند (Flamand) بهر طور که عادتشان بود تیرها را رها مینمودند. در مشرق زمین خصوصاً در ایران برای اینکه انگشت تیر اندازان صدمه نیند حلقه هائی از عقیق یا یشم و یا باور اصل و شاخ و عاج و پولاد یا آهن در شصت بکار میبردند و نام این حلقه راسقین و یا بقول آدام اولشاریوس (Adam-Olearius) شکیر میگفتند و حلقه نامبرده را بازه ید کی در جمبه کوچکی که بکمر وصل بود نگاه میداشتند.

کمانهای شکاری ایرانی اغلب ساده تر و منحنی تر از کمانهای جنگی ساخته میشد و برخلاف کمانهای جنگی آنها را از يك تکه چوب تهیه میکردند و بهمین مناسبت میتوان گفت کمان اروپائی تقریباً شبیه کمانهای شکاری ایرانی میباشد با این تفاوت که کمانهای ایرانی بعضی زه دارای دوزه موازی است.

تیر کمانهای شکاری نیز با تیرهای جنگی تفاوت داشتند زیرا نوك آنها

مدور و کند و سنگین بوده است و این تیرها هیچوقت برای کشتن افراد بکار نمیرفت و برای جزئی زخم زدن و گیج کردن حیوانات استعمال میشد زیرا ایرانیها بیشتر مایل بودند که پوست یا پره‌های ذیقیمت و زیبای شکارشان از گزند تیر حتی الامکان محفوظ بماند.

۶- چهار آئینه :

این اسلحه هند و ایرانی از چهار قطعه فلز بزرگ شفاف تشکیل شده است و بدین مناسبت بنام چهار آئینه نامیده شده است (شکل شماره ۲۲) نمونه‌های جدیدتر این اسلحه که قسمت سینه بند آن از دو ویاسه قطعه تشکیل میشد از داخل بوسیله میله یا قلاب‌هاییکه از جلو بچشم نمی‌خورد بهم وصل گردیده‌اند اما نمونه‌های قدیمی چهار آئینه ساده تر ساخته میشده‌اند زیرا بطور بکلی متشکل از دو قطعه بزرگ و دو قطعه کوچک بشکل مربع مستطیل بوده‌اند. قطعات بزرگتر برای پوشانیدن سینه و پشت و قطعات کوچکتر بمنظور محفوظ نگاه داشتن پهلوی بکار میرفته است گاهی برای آزاد بودن حرکات دست یا سبک کردن آن طرح دیگری بآن داده میشد باین ترتیب که قسمتهای پهلوی را بشکل هلالی در می‌آوردند زیرا هنگام رزم پهلوی بوسیله دست محافظت میگردید و چندین نمونه چهار آئینه ایرانی و خارجی در موزه دانشکده افسری موجود است. در طرفین سطوح هر یک از قطعات چهار آئینه بست یا چفتک کوچکی تعبیه شده است (روی هم هشت عدد میباشد) و تسمه‌های چرمی صلیب‌رار از داخل آنها گذشته و آئینه‌ها را بیکدیگر وصل مینماید. در روی دو قطعه بزرگ چهار- آئینه چفت‌های اضافی در روی شانه قطعات جلوی رابه قسمت آئینه پشتی متصل میسازد اگر چهار آئینه‌ها کوچک تهیه میشدند هر یک از قطعات آنها از یک تکه پولاد آب دیده و در صورتیکه چهار آئینه بزرگتر بود تعداد قطعاتش نیز بیشتر ساخته میشده است.

الف - تزئین چهار آئینه :

معمولا چهار آئینه را از پولاد جوهر دار عالی که دارای نقوش نمایان و بزرگ بودند تهیه میکردند ولی انواع پیشین و قدیمی آنرا از پولاد جوهر دار منقوش ممتازی که نقوش کوچکی داشتند میساختند.

درسبک چهار آئینه سازی بعد از دوره نادرشاه افشار در ایران تغییراتی حاصل گردید. چهار آئینه های قبل از نادرشاه کوچکتر ساخته میشد، ولی بعداً علاوه بر اینکه آنها را بزرگتر ساختند، حاشیه های پهن و یاباریک فلزی نیز به قطعات اصلی آن اضافه کردند و محل وصل این حاشیه آهینین اضافی را بوسیله نقوش طلائی یا میله های برنجی از دید پنهان نمودند و تمام این اعمال باین منظور انجام میگرفت که چون نمیتوانستند یک چهار آئینه بزرگ را از یک قطعه پولاد درجه یک بدست بیاورند و برای اینکه نقص صنعت سلاح - سازی آن روز را از بین ببرند با مذهب کاری و نقره کوبی در روی سلاحها و سازوبرگ قدیمی معایب جزئی را از بین میبردند. پس میتوان گفت بطور کلی عمل تزئین و تذهیب و نقره کاری در روی اسلحه های قدیمی خدمت بزرگی بعالم صنعت و صنعتگران انجام داده است زیرا نواقص ساختمانی پولاد را که هنگام چکش کاری و موقع سرد شدن بوجود میآورد مرتفع میساخت و همچنین چهار آئینه هائی دیده میشود که بارنگهای بادوام و براق تزئین گردیده است. این نوع تزئین اغلب بر روی پولادهای ساده بکار میرفته است و پولادهای جوهر دار که خود دارای نقوش بسیار زیبایی بودند احتیاج برنگ آمیزی نداشتند. این اعمال بیشتر در صنعت سلاح سازی افغانیها معمول بود، زیرا اکثر کارهای افغانی بدین ترتیب بوده است. از این نوع چهار آئینه در دانشکده افسری موجود است (شکل شماره ۲۳). گاهی چهار آئینه را از پوست کرگدن یا مقوای فشرده شده محکم که روی آنها را بارنگ پر جلا و براق می پوشانیدند، میساختند. این نوع چهار آئینه اکثراً در چین و هندوچین متداول بوده است. در اوایل قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم آئینه های سینه و پشت را بلندتر درست میکردند و بالای این قطعات را بوسیله یک حاشیه ترنجی شکل و یا بشکل سرپرندگان منقوش می نمودند.

این عمل در آن زمان بسیار معمول و متداول بوده است. معمولاً آستر چهار آئینه ها را از مخمل یا ابریشم یا پارچه های دیگر درست میکردند. تصور میشود مخترع چهار آئینه ایرانیان بوده اند زیرا قدیمی ترین چهار آئینه ای که (۱۸)

بدست آمده است متعلق به قرن شانزدهم میلادی میباشد و در دنیای آن روز برای اولین مرتبه جنگجویان ایرانی از این سلاح استفاده بعمل آورده‌اند و همیشه نوع تزئین چهار آئینه‌ها را با کلاه خودها تطبیق میدادند.

۷- کلاه خود :

امروزه باستانشناسان برای شناخت هر هنری قواعد خاصی را تدوین نموده‌اند و از روی علائم بقدمت آثار مکشوفه پی می‌برند. بدین ترتیب که از روی آثار یافت شده و نقوش موجود در روی آنها زمان بندی آنها تعیین می‌گردد و این تنها وسیله‌ایست که می‌توان تقریباً بطور صحیح در باره سوابق آن اثر مکشوفه اظهار عقیده نمود. مثلاً اگر چنانچه در یک منطقه بخواهند قدمت دو سلاح یا دوشیئی هنری را بایکدیگر مقایسه نمایند نقوش موجود در روی آنها را با هم مطابقت میدهند این نقوش میتواند مبین حتی زمانهای ماقبل و مابعد دوران خود باشد و گاهی دیده شده است که آثار نقوش متعلق به قری در یک منطقه مساوی است با نقوش زمان پیشین خود در محل دیگر. با توجه بمطالب فوق اینطور استنباط میگردد که کلاه خودهاییکه مربوط به اوایل حمله اعراب بایران است تا کنون بدست نیامده و قدیمترین نمونه کلاه خود ایرانی در محلی نزدیک بوداپست از زیر خاک بدست آمده که اکنون در موزه مجارستان نگهداری میشود. این کلاه خود از چند قطعه آهن صاف و بدون انحناء بشکل ساده که بهم متصل شده ساخته شده و آرایش مخصوص آن عبارت است از نقوش مختلف بشکل سیمرغ‌هاییکه خطوط آن هنوز از روی آن محو نشده است. از این رو میتوان از روی نقوش آن و نقوش متداول آن زمان آنرا به قرون بعد از قرن چهاردهم نسبت داد زیرا نقش سیمرغ قبل از این تاریخ در روی صنایع ایران مشاهده نمی‌شود و این نقش مخصوص کشور چین بوده است زیرا اولین اثری که از نقوش سیمرغ واژدها در ایران پیدا شد در روی کاشیها و سالنهای منقوش است که در سلطانیه بدست آمده است و اصولاً نقوش چینی از قرن چهاردهم میلادی در ایران متداول گردید و محققاً کاشیها و سفالهای مزبور نیز در ایران در قرن چهاردهم ساخته شده است. فرم این کلاه خود شلجمی شکل، یعنی به فرم کلاه خود های ترکی مغولی

میباشد. همین فرم با کمی تغییر تا این اواخر در صنایع ترکان عثمانی ظاهر بوده است و روسها هم آن شکل را در قرون وسطی بکارمببرده اند. از روی نقاشیهائیکه از زمان قدیم باقی مانده میتوان گفت که در کلاه خودهای ایرانی برای حفاظت گوشها دو قطعه فلز صاف بکارمیرفته است و برای پوشش پیشانی دو تکه فلز را طوری روی آن نصب میکردند که حافظ پیشانی و ابروها باشد و برآمدگی مدور آن برای حفاظت بینی تعبیه میشده است این کلاه خودها زمانی از فلزهای تخته ای و صاف و گاهی از فلزهای ترك ترك ساخته میشد. مدتی قبل از قرن شانزدهم در ایران خودهای شلجمی بطرز خود های ترکهای عثمانی متداول بود ولی کم کم این نوع خودها منسوخ گردید و بجای آنها خود های مدور رواج یافت. در قرن شانزدهم و هفدهم که فن اسلحه سازی در مشرق زمین بعدا علی ترقی رسیده بود خودهای ایرانی کاملا مدور ساخته میشد. در قسمت بالای جلو آن نیز میله استوانه ای شکل تو خالی نوك تیزی قرار داشت که برای نصب پر یا جقه بکار میرفت. بغير از میله مزبور میله دیگری نیز در جلو کلاه خود تعبیه میکردند که بطور کلی تمام چانه و پیشانی را محافظت می نمود و در جلو آن نیز دو میله مجوف کوچک قرار داشت که برای زینت در میان آنها پر طاووس یا پر شتر مرغ و یا پر ررنا نصب میکردند ظرافت و نازک کاری در خودهای این زمان به حدی رسیده است که بیننده را متحیر و مبهورت میگرداند و تنوع این صنعت در ایران بقدری است که سلیقه و ذوق صنعتگران آن زمان در این خصوص شکفت آور بنظر میرسد. در این دوره خود های ممتاز را طلا کوب و در حاشیه آن ترنج های طلائی نقش میکردند که در میان آنها آیات قرآن و اسامی خدا و مقدسین نوشته میشد. وسط کلاه خود را با يك حساب و دقت بسیار تعیین نموده و با اشکال مختلفی از قبیل برگ و شاخ انگور که مخصوص خودهای ایرانی بوده است منقوش می ساختند.

الف - طلا کوبی خودهای ایرانی :

طلا کوبی خودها و چهار آئینه های ایرانی بدو طریق صورت میگرفت : یکی آنکه نقش دلخواه را در روی پولاد کلاه خود یا چهار آئینه کنده و سپس (۲۰)

مکانهای خالی شده را با طلا پر میکردند و یا اینکه روی پولاد را مخطط نموده و بعد طلا را در نقش مزبور نقر می نمودند، گاهی قسمتهای خالی کلاه خود از قبیل میله حافظ بینی و محل نصب پر ها و یا میله نوک تیز سر کلاه خود را مشبك و یا سوراخ سوراخ تهیه میکردند که از نظر ظرافت و صنعت کاری بی نظیر میباشد و به جرأت میتوان گفت که قدرت ابداع و ذوق ظریف کاری صنعتگران ایرانی در تهیه اسلحه بی اندازه قابل تحسین و مورد تقدیر میباشد و اینک نمونه های شایان توجهی از کلاه خودهای مزبور در موزه دانشکده افسری موجود میباشد (شکل شماره ۲۴ متعلق به دوره قبل از صفویه و شماره ۲۵ کلاه خود قزلباشها میباشد).

کلاه خودهای ایرانی معمولاً دارای زره ظریف کوچکی بوده اند که با حلقه های بزرگتری در میان سوراخهای اطراف کلاه خود متصل میگردد. عرض زره مزبور در جلو پیشانی و میله محافظ بینی از پنج تا هشت سانتیمتر بیشتر نبوده است و طولش در طرفین خود تا سینه میرسیده است و از پشت بروی شانه ها میافتاد و باین ترتیب کردن را محافظت می نموده است بطور کلی ظرافت و ارزش زره های مذکور بستگی به مرغوب بودن نوع کلاه خود داشته است.

زره های کلاه خود را از پولادهای جوهر دار تهیه میکردند و با حلقه های میخ دار بهم وصل می نمودند و زره های ارزان تر و پست تر از آنها تا این اواخر ساخته میشد و عمل بستن توسط حلقه های لچیم شده انجام مییافت. انتهای زره کلاه خودها مقرنس ساخته میشد. خرد هائیکه بشکل سر آدم و یا کله دیو یا حیوانات شاخ دار دیگر تهیه میکردند نوع ساختمان مبتدل و بازاری است که اخیراً ساخته شده اند و بحث درباره آنها از مطلب ما خارج میباشد.

۸- دستگاه یادستبند:

ساعدها و پوشها درست مانند ساعد ساخته میشده و از آرنج تا معج را محفوظ نگه میداشت و بهمین ترتیب زانو پوشها هم مانند ساعد پوشها باندازه ساق پا تهیه میگردد و در هر کدام از این دو لباس چهار عدد سگک برای بستن آن به دست و یا تعبیه شده بود. بطوریکه در بالا اشاره شد ساعد پوشها تا روی معج

میرسید و در این صورت پشت دست و انگشتان در مقابل ضربات احتمالی غیر محفوظ بود برای جلوگیری از آسیب پذیری دست و پنجه‌ها نوعی روپوشهای زرهی که زیر آنرا چرم می‌گرفتند و فقط انگشت شصت در آن فرو میرفت، تهیه می‌کردند و بساعدپوش وصل مینمودند در روی ساعد پوش يك يادوتکه آهن قرار داشت که نزدیک مچ بوسیله دو یا سه ردیف حلقه دور ساعد پوش محکم می‌گردید و تکه‌های آهن مزبور را بهم وصل مینمود. این سلاحها همیشه يك شكل و فرم ساخته میشدند ولی گاهی از حیث نقش و نگار باهم فرق داشتند. انواع ساعدبندها و زانوبندها در شکل‌های (۲۶) و (۳۳) دیده میشود.

الف - تزئینات ساعدبندها و زانوپوشها:

ساعدبندها زانوپوشها را معمولاً طلاکوب و یا قلم‌کاری و یا باشکال‌هندسی آرایش میدادند و همچنین گاهی اوقات کلمات مقدس و آیات قرآن بر روی آنها نقش می‌کردند و یا اینکه بطور کلی ساده و عاری از هرگونه آرایش ساخته و مورد استفاده قرار میدادند روی این نوع تجهیزات برخلاف سایر سلاحهای مشرق زمین غالباً اسامی سازندگان آنها تذهیب می‌گردید که موزه دانشکده افسری دارای نمونه‌های متعددی میباشد. باید دانست در این اواخر این سلاح را زوج تهیه نمی‌کردند بلکه فقط بدست راست اهمیت داده و از آن استفاده بعمل می‌آوردند زیرا همیشه دست چپ توسط سپر محفوظ میماند.

۹ - سپر :

از قدیمترین ایام سپرهای مشرق زمین شکل مدور و کوچک خود را حفظ کرده‌اند و همانطوریکه در روی حجاریهای قدیم مشاهده میشود در طرز ساختن سپر تغییر فاحشی صورت نگرفته است. و شکل اولیه آن محفوظ مانده است و در طی ادوار مختلف تغییری در آن داده نشده است. مثلاً شکل سپری که جنگجویان نادرشاه در فتح هندوستان بکار برده‌اند در دورانهای بعدی نیز مشاهده شده و مواد اولیه آن همان ماده قدیمی بوده است. سپرهای پولادین را از سپرهای معمولی کوچکتر می‌ساختند زیرا باندازه کافی سنگین بود. از طرف دیگر یکی از علل کوچکی آن این بوده است که از (۲۲)

ضخامت سپر کاسته نشود و اگر آنرا بزرگتر میساختند میبایستی پولاد را نازکتر سازند در اینصورت از استحکام آن بطور محسوسی کاسته میشد زیرا هر سپر از پولاد یکپارچه ساخته میشد و بهمین سبب است که سپرهای پولادی کمتر دیده شده است. سپرهاییکه بیشتر در نزد ایرانیان و افغانها و مسلمانان هند و بلوچ متداول بود از نوع سپرهایی بوده اند که از پوست کرگدن و یافیل تهیه میشده اند. پوست آنرا نیز از حبشه و هند وارد میکردند. چون اینگونه سپرها در مقابل سلاحهای برنده قابلیت کشش بهتر و استقامت بیشتری را دارا بوده اند، از سپرهای پولادین بیشتر مورد توجه واقع میگرددند. سپرهای چرمی را بدون از بین بردن ضخامت و استحکام پوست که ما اکنون از رمز تهیه آن اطلاع نداریم شفاف کرده و آنرا مانند یک قطعه فلز نازک و یا شاخ و کهربای زرد جلوه گر میساختند سپس روی آن نقوشی با رنگهای پر دوام و یا باطلا ترسیم نمودند و گاهی در روی آنها نقوش برجسته مشاهده میشد. بر روی سپرهای معمولی چهار یا شش قبه فلزی ساده و یا قلم زده و نقره کوب و یا پولاد مشبک نصب میکردند.

انتهای این قبهها از داخل سپر خارج شده و بوسیله حلقه های آهنی که از میان آن تسمه های چرمی میگذشت جهت نگاهداشتن سپر تعبیه میکردند و برای اینکه اثر ضربات دشمن بر روی دست محسوس نگردد یک یادو بالشتک کوچک در از در میان تسمه ها قرار میدادند گاهی دو قبه اضافی هم جهت رد کردن تسمه دیگری در روی سپر قرار میدادند تا بتوانند در هنگام راه رفتن سپر را از گردن آویزان نمایند تا دست آزاد باشد این دو قبه از لحاظ شکل با قبه های دیگر فرق داشت مثلا ممکن بود آنها را بشکل هلال یا فرم دیگری بسازند. سپرهای ایرانی هرگز مسطح نبود ولی تحدب آن بی اندازه کم بود چنانکه در بالا گفته شد سپرهای مذکور اغلب با نقوش طلائی تزیین میشد و بر روی آن تکه های استخوانی و یا صدف و یا فلز و گاهی عاج را با اشکال هندسی نصب میکردند و با جواهرات مختلف یا شیشه های الوان تزیین مینمودند، اغلب اوقات قبه هارا مینا کاری کرده و چون میخواستند سپرها محکم باشد آنرا با روغن مخصوصی آغشته میساختند. برای اینکه جنس سپرها شفاف و

عالی شناخته شود در سپر هائیکه پراز نقوش مختلف بودند نقاط کردی راباقی می گذاشتند تا ممتازی و شفافیت سپر معلوم شود ، قطر هندسی سپر های چرمی ایرانی از نیم متر الی یکمتر ونیم بوده که نمونه بی شماری از آنها در موزه دانشکده افسری موجود است (شکل ۲۸) در این اواخر یعنی دوره انحطاط سلاح مشرق زمین در ایران سپر های بزرگ آهنین می ساختند که بدون هیچ گونه ارزشی کار زیادی بر روی آنها انجام میشد و آنرا تیزاب زده و منقوش مینمودند سپس قلمزنی یا طلاکاری میکردند. میدانیم اینگونه سپرها هیچگونه استحکامی ندارند. اینطور بنظر میرسد که این نوع سپرها را بمنظور تزئین تهیه میکردند و مرکز ساخت آن اصفهان بوده است و صنعتگران آنجا سپر های مزبور را برای طالبان این نوع زینت ها تهیه میکردند (شکل ۳۴ و ۳۵)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی